

قیمت‌ها بعد از خرداد امسال...

از: ارسلان بختیاری

بعد از اردیبهشت ۷۴

تا قبل از سی اردیبهشت ۷۴ چند سال بود که مسؤولان اقتصادی کشور، به ویژه رؤسای بانک مرکزی، هر کدام به نوعی در توجیه افزایش قیمت کالاها، این افزایش‌ها را تابعی از وضعیت قیمت ارز و

طی سالهای اخیر ماه اردیبهشت همواره دوره‌ای بوده است که طی آن سیاست‌های اقتصادی مدون دولت که معمولاً در لایه‌لای تبصره‌های بودجه گنجاننده می‌شود، آثار اولیه خود را ظاهر می‌کند.

در این ماه بنگاههای اقتصادی، فعالان در بازار سایه، دلان، سفته‌بازان، واسطه‌ها و حتی واردکنندگان یا صادرکنندگان بر مبنای تظاهرات اولیه آثار بودجه، و نیز بر مبنای سخنان، مصاحبه‌ها و توجیه‌گری‌های مسئولان بلند پایه اقتصادی و اجرایی می‌توانستند حدس بزنند بیشترین سود را در کدام مسیرها باید جستجو کرد؟ چه خرید؟ کی خرید؟ به چه مبلغ خرید؟ کی فروخت؟ کجا فروخت؟ چگونه فروخت و به چه مبلغ فروخت؟

اگر به سوابق مراجعه کنیم درمی‌یابیم این روند حالت یک قانون‌مندی را پیدا کرده بود، و به شرحی که در ستور آتی خواهد آمد در چند سال اخیر در همین ماه اردیبهشت معاملات ارزی و طلا (آن هم نه معاملات عادی یا نوساناتی تقریباً منطقی) نقطه شروع آغاز فعالیت‌های اقتصادی می‌شد.

نوسانات ارز و طلا با شدت و حدتی که داشت هر سال پیامدهائی متفاوت را بر جا می‌گذاشت و روند جابجائی سرمایه را به شیوه‌ای ویژه و نا مشخص تغییر می‌داد و موجب بروز تمایلاتی جدید که برای غیر اهل فن (یا بهتر بگوئیم غیرخودی‌ها)

غیرقابل درک و پیش‌بینی بود، برای فعالیت روی کالاها یا خدمات خصوصی می‌شد. اثرات همه این تحولات بر اقتصاد عمومی و قدرت خرید مردم نیز در ماههای بعد، و بویژه در نیمه دوم سال قابل لمس و ارزیابی بود!

در گزارش تحلیلی زیر کوشیده‌ایم با نگاهی به گذشته، تصویری ولو مبهم از شرایط اقتصادی در ماههای آینده را ترسیم کنیم.

دلار در کمتر از پانزده روز از حول و حوش ۳۰۰۰ ریال به مرز ۷۰۰۰ ریال رسید. در این بین بانک مرکزی هم آتش بیار معرکه شد و نرخ ارز صادراتی را از ۲۳۴۵ ریال به ۳۱۷۵ ریال افزایش داد و در واکنش نسبت به افزایش قیمت مجدد ارز در بازار، خود را از تک و تا نینداخت و قیمت ارز صادراتی را در کمتر از یک هفته به ۳۴۲۰ ریال افزایش داد. بعداً در توجیه این اقدام گفته شد که این تصمیم برای جلوگیری از فروش ارز صادرکنندگان به بازار آزاد اتخاذ شده است. و البته هیچ‌گاه مشخص نشد اگر صادرکننده متعهد به فروش ارز به بانک بوده، پس چه دلیلی برای تخطی از این قاعده وجود داشته؟ و اگر هم صادرکننده تعهدی نداشته، طبیعی است که به هر حال ارز را به کسی بفروشد که بیشتر می‌خرد، حتی اگر تفاوت یک ریال باشد.

در همان حال که قیمت دلار به ۷۰۰۰ ریال رسید و چیزی نمانده بود که شایعه «یک دلار برابر با یک هزار تومانی» واقعیت پیدا کند، قیمت سکه نیز از مرز ۷۰۰ هزار ریال گذشت و قیمت هر گرم طلا به حدود ۸۰ هزار ریال رسید.

در سی ام اردیبهشت ۷۴ بانک مرکزی سیاستهای جدید ارزی را اعلام کرد و نرخ رسمی دلار هم تعیین شد و این ادعا را هم بار دیگر تکرار کردند که هم زمان با این اعلام نرخ، کاهش مورد نظر در قیمت‌ها هم حاصل شده است. این اتفاق هم باید یک تخفیف ۴۳۵ ریالی در آخرین نرخ اعلام شده بانک مرکزی تلقی می‌شد، و نه مثلاً پش از نرخ ۱۷۵۰ ریالی ارز شناور یا نرخ ۲۳۴۵ ریالی

ارز صادراتی سابق! و مردم هم لازم بود برای تصمیم‌گیرندگان که آنها را از شر دلار ۷۰۰۰ ریال نجات داده بودند هورا بکشند! لابد کسی هم به یاد نداشت که در کمتر از ۲ سال، و بعد از آنکه رئیس کل وقت بانک مرکزی، یعنی آقای عادلی پس از مدتها تبلیغ، تنها راه مهار افزایش قیمت دلار را در تک نرخی کردن آن دانست، نرخ دلار بطور رسمی از ۱۵۷۰ ریال به ۳۰۰۰ ریال افزایش یافت؛ با این امتیاز ویژه که نا مدتها هر شخص با کار و بیکاری می‌توانست با در



سکه می‌دانستند و مسبب و محرک افزایش کاذب این شاخص‌های به اصطلاح اصلی تعیین‌کننده دیگر قیمت‌ها در بازار را، دلان و سفته‌بازان ذکر می‌کردند و وعده می‌دادند اگر موفق شویم با کوتاه کردن دست این گروه و اربابانشان از بازار ارز، افزایش بی‌رویه نرخ آن را متوقف کنیم به راحتی خواهیم توانست قیمت واقعی سایر کالاها و اجناس را به آنها بازگردانیم. بعد از فروردین سال ۷۴ قیمت ارز و سکه و طلا به نحوی لجام گسیخته رو به افزایش گذاشت و قیمت

دست داشتن فقط یک کارت شناسایی در طی روز بارها به بانک مراجعه کند و در هر نوبت ۵ هزار دلار با نرخ رسمی بخرد، اما با نرخ ۳۰۰۰ ریالی اعلام شده از اول تا آخر محدودیت وجود داشت و دارد! هیچ کس هم به خود زحمت نداد که از رئیس کل بانک مرکزی بپرسد مگر قرار نبود با اعلام نرخ واحد برای ارز، جلوگیری از افزایش بی رویه قیمت آن گرفته شود و میزان تورم به حد قابل قبولی برسد؟ و مگر شما خود اعتراف نکردید که بانک مرکزی با تزریق روزانه نزدیک به ۵-۶ میلیون دلار به بازار قیمت را پائین نگه داشته است، پس چه شد که دلارهای تزریقی در کمتر از چند ساعت از آن سوی آبهای خلیج فارس سر درآورد؟!

اولویت‌های پا در هوا!

به نظر می‌رسد در کشور ما رسم نیست که مسؤولان را در هیچ شرایطی به خاطر اشتباهات اثبات شده‌شان در برنامه‌ریزی، حتی به یک پرسش و پاسخ دوستانه دعوت کنند.

رئیس کل فعلی بانک مرکزی هم در اعلام سیاست‌های جدید در سال گذشته در همین ایام گفت: با این دلار ۳۰۰۰ ریالی تمام مایحتاج مردم و مواد

اولیه صنایع شامل لوازم خانگی، لوازم یدکی انواع خودرو و... وارد کشور خواهد شد. البته ایشان تأکید هم کرد که در این راه با توجه به اولویت‌ها حرکت خواهیم کرد، اما تا همین امروز هنوز اولویت‌های اولیه پا در هوا است تا چه رسد به اولویت‌هایی که در اواسط و اواخر لیست جای دارند!

زمانی که قیمت دلار به ۷۰۰۰ ریال رسید، قیمت یک کیلو گوشت کمتر از ۸۰۰۰ ریال بود، بعد از اعلام نرخ ۳۰۰۰ ریال برای دلار و بعد از یک سال رفته رفته قیمت یک کیلو گوشت به ۱۲۰۰۰ ریال رسیده. غیر از گوشت قیمت بقیه کالا هم که بعد از اعلام این سیاست‌ها کاهش زودگذر می‌یافت مجدداً افزایش پیدا کرده است.

در آن روزها گفته شد که قیمت دلار در بازار قاچاق-بازار آزاد قبلی! اندک اندک به نرخ صادراتی خواهد رسید که همین طور هم شد و قیمت دلار در بازار قاچاق در اواخر تابستان سال گذشته برای یکی دو روز به ۳۲۰۰ ریال رسید و تنی چند از وزرا هم که از حاکمیت این قیمت در بازار قاچاق ذوقزده شده بودند با احساس مسئولیتی علمی به دفعات اعلام کردند که به زودی قیمت دلار به ۲۰۰۰ ریال و کمتر

خواهد رسید؛ یعنی پنبه کل سیاست‌های چند ماه قبل را زدند و تولیدکننده، مصرف‌کننده و واردکننده را در غرقابی از ابهام و بهت و ناباوری غرق کردند. اما نتیجه چه شد؟ در کمتر از ۱۵ روز مجدداً نرخ دلار در بازار قاچاق به ۳۷۰۰ ریال رسید و دیگر پایین نیامد تا امروز که بالاتر از ۴۲۰۰ ریال داد و ستد می‌شود. در این بین جای چند سوال باقی می‌ماند؛ وقتی قرار بود واردات با هیچ نوع ارزی غیر از صادراتی امکان‌پذیر نباشد و راه‌های ورود کالای قاچاق هم مسدود شده است، پس چرا امروز، و یک سال بعد از اجرای آن سیاستها، باز هم نرخ دلار در بازاری که خریدار ندارد، چهل درصد بیشتر از نرخ رسمی است؟ چرا حالا که نرخ ارز تثبیت شده و به اصطلاح بر آن پوزه‌بند زده‌اند، قیمت مواد خوراکی و دیگر مایحتاج مردم چند برابر قیمت قبل از اعلام سیاست‌ها رشد کرده است؟ آیا دلایان و سفته‌بازان بازار ارز و سکه و طلا با ریاکاری سرگردان و البته نسجومی خود به بازار گوشت و مرغ و سیب‌زمینی و پیاز و گوجه فرنگی رخنه کرده‌اند؟ این سیاست‌های جدید ارزی که حالا به نظر می‌رسد کهنه شده و جانشین می‌طلبید، از همان روزهای اولیه در بین مسؤولان و وزرا هم مخالفانی

روزنامه انگلیسی زبان صبح ایران

IRAN

IRAN NEWS

MORNING ENGLISH DAILY

"THE LATEST NEWS AND MOST PRECISE ANALYSIS OF POLITICAL,

CULTURAL,

ECONOMIC,

ARTISTIC

AND SPORTS

EVENTS IN IRAN AND ACROSS THE WORLD

AVAILABLE IN IRAN NEWS

IRAN NEWS CAN BE RECEIVED ON PCS HOURS BEFORE IT HITS STANDS.

داشت که با توجه به شرایط آن روزها مخالفت خود را زمره‌وار و در گوشی اعلام می‌کردند، اما چند هفته قبل آقای مرتضی الویری مشاور ریاست جمهوری و دبیر شورای عالی مناطق آزاد تجاری دیگر سکوت را جایز ندانست و آنچه را که در دل داشت بیرون ریخت و در مصاحبه‌ای مفصل از مضرات این سیاستها سخن گفت و تأکید کرد: «سیاست‌های اقتصادی و ارزی متخذه از سوی دولت در سال ۷۴ موجب وارد آمدن لطمه به سرمایه‌گذاری و صادرات غیرنفتی کشور شده است» و با اعلام این که نسبت به نتایج این سیاستها خوش‌بین نیست، اضافه کرد: «نرخ ارز به مبلغ ۳۰۰۰ ریال کشور را به سمت سیستم ۳ نرخی ارز برد؛ به این صورت که صرافی‌ها در اثر این تصمیم تعطیل شدند و به صورت غیررسمی و غیرقانونی یک بازار سیاه شکل گرفت که قیمت ارز در آن در حدود ۴۰۰۰ ریال در نوسان بود و یک قیمت رسمی شناور هم از سوی دولت تحت عنوان ارز ۱۷۵۰ ریالی اعلام شد.»

به نظر می‌رسد اگر قیمت ارز و سکه مهار هم شده باشد، مهار موقتی است، و به آن می‌ماند ما شخصی را جلو دیوار بگذاریم و انگشت‌مان بر روی ماشه باشد؛ مسلماً شخص بدون حرکت خواهد ایستاد، اما به محض برداشته شدن انگشت ما از روی ماشه، وی حرکتی خواهد کرد که اگر چه چگونگی آن قابل پیش‌بینی نیست، ولی بی‌تردید حرکتی شتاب زده و تا حدی هم غیر قابل کنترل خواهد بود. قیمت ارز هم چنین وضعیتی دارد؛ کافی است که انگشت از روی ماشه برداشته شود.

سیاست ارزی و آپارتمان‌داری!

آقای عادل‌ی در زمان تصدی ریاست کل بانک مرکزی در مصاحبه‌ای ضمن ارائه رهنمود به کسانی که «ریال» سرگردان و بی‌کار در اختیار داشتند، گفت این اشتباه است که کسی پول اضافه خود را مثلاً ۶-۵

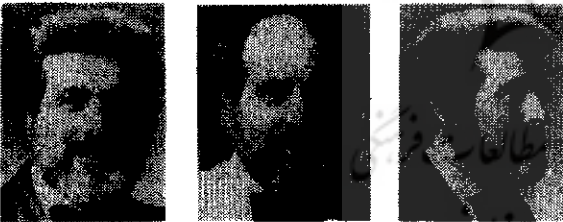
میلیون تومان بدهد آپارتمانی بخرد و با اجاره دادن آن ماهی ده-پانزده هزار تومان اجاره دریافت کند؛ بهترین راه این است که این اشخاص پول خود را به صورت سپرده به بانک بسپارند و ماه به ماه سودی متعادل و چند برابر اجاره آپارتمان را دریافت کنند؛ هم سرمایه‌شان محفوظ است و هم در دسر آپارتمان‌داری و دریافت اجاره کم را ندارند؛ ای کاش ایشان اکنون در کشور بود و می‌دید که آپارتمان ۶-۵ میلیون تومانی آن روزها را که معاملات مسکن دچار رکود شده بود امروز به سختی می‌توان به ۲۰ میلیون تومان خرید، البته این سیاست افزایش سرسام‌آور قیمت ملک، گویا مکمل همان سیاست‌های جدید ارزی بود که اعلام شد دولت تمایل دارد ریالهای سرگردان از ارز و سکه به سوی ملک روانه شود، که شده است و بی‌خانه‌هایی که در زمان آپارتمان‌های ۵ میلیونی برای خرید آپارتمان بیشتر از ۵۰ درصد مبلغ را کسر داشتند، امروز با نرخ ۲۰-۱۵ میلیون تومانی، هم چنان ۵۰ درصد قیمت آپارتمان را کسر دارند؛ چرا که بانک به کمکشان آمده و ۳/۵ میلیون تومان وام در اختیارشان می‌گذارد البته به شرطی که آپارتمان، حتماً نوساز باشد، حتماً سازنده‌اش دست اول باشد، حتماً از عمر جواز ساخت

۲ سال بیشتر نگذشته باشد و...

در اوایل سال گذشته و در اوج گران شدن ارز و سکه، وزیر صنایع نرخ مصوب تعدادی از کسالاهای تولیدی کارخانه‌ها را اعلام کرد و افزود تحت هیچ شرایطی این نرخها تغییر نخواهد کرد و فقط هر ۶ ماه یک بار، با توجه به کاهش و یا

افزایش نرخ ارز نسبت به تغییر این قیمتها اقدام خواهد شد و لذا فروشندگان باید دقیقاً نرخ‌ها را رعایت کنند. چون اعلام این نرخها قبل از اجرای سیاستهای جدید ارزی بود، ایشان موکداً اعتقاد داشت برای تولیدکنندگان مقرون به صرفه است، چرا که نرخها با توجه به وجود تنوع مواد اولیه و تفاوت نرخ این مواد اولیه با نرخ ارز آزاد در بازار، تعیین شده است. ۶ ماه بعد، در مهر ماه ۷۴ قول ایشان در مورد تعدیل نرخها تحقق یافت و قیمت تعدادی از این اقلام با توجه به کاهش نرخ ارز و تثبیت آن اندکی کاهش یافت، اما متقاضیان انواع و اقسام این اقلام که عمدتاً شامل لوازم خانگی است، غیر از مدت کوتاهی هرگز موفق به خرید آنها با نرخ‌های مصوب نشدند و در پانزده زمستان سال گذشته تنها مزدوجان می‌توانستند با ارائه عقدنامه فقط یک قلم از این کالاها را با نرخ مصوب دریافت کنند. نتیجه آن که اگر چند سال قبل ستاد جهیزیه چند قلم کالا، از جمله یک یخچال را به قیمت دولتی مثلاً ده یا بیست هزار تومان در اختیار زوج‌های جوان می‌گذاشت، حالا همان یخچال را این زوج‌ها باید به قیمت دولتی و نه آزاد یعنی در حدود ۸۰ هزار تومان خریداری کنند! و جالب اینکه وقتی

قصر مو، اولین مؤسسه ترمیم مو در ایران



به مدیریت سابق آی. بی. اس. وارطان

که صاحب طولانی‌ترین، مطلع‌ترین و یکی از بزرگترین استادان ترمیم مو است

برای کسب اطلاعات و مشاوره از ساعت ۹ صبح الی ۱۳ و ۳ تا ۶ بعد از ظهر مراجعه فرمائید

چهارراه زرتشت-خیابان فلسطين شمالی-
فرسیده به بلوار کشاورز-ساختمان ۵۵ طبقه سوم
تلفن: ۸۹۴۱۳۶

کامپیوتر قابل توجه همکاران و شرکتهای کامپیوتری

در جهت حمایت از دولت محترم و اجرای سیاستهای صوفه‌جویی ارزی این شرکت مفتخر است، با کادری مجرب و متخصص، خدمات استثنائی را در اختیار همکاران قرار دهد

RAM, HARD, DISK,
MINBORAD....

تعمیر

آدرس: خیابان شریعتی تقاطع طالقانی، ابتدای خواجه نصیرالدین طوسی پلاک ۲۷۳ طبقه اول شماره ۱ تلفن تماس ۵۲ و ۵۲۱۵۱۹۱۵۳

شرکت سرو آذین

قیمت دلار از ۲۷۰ تومان شروع به افزایش کرد قیمت مثلاً یک یخچال پارس در بازار آزاد حدود ۹۲ هزار تومان بود (۱۵ - ۱۰ درصد بالاتر از قیمت رسمی کارخانه) اما بعد از نرخ گذاری و تثبیت قیمت ارز، رفته رفته قیمت همان یخچال به ۱۴۵ هزار تومان رسید؛ یعنی ۸۰ درصد بیشتر از نرخ مصوب! و قرار است قیمت‌های جدید بعد از ۶ ماه هم همین روزها اعلام شود و مشخص نیست که وقتی نرخ ارز تخصیصی به صنایع تغییر نکرده، دیگر اعلام نرخ جدید چه لزومی دارد؟ لابد افزایش قیمت مواد سوختی و دستمزد کارگران باید در تعیین قیمت جدید لحاظ شود.

سکه و سببزمینی

در سالهای آغازین برنامه توسعه پنج ساله اول کشور، وزیر صنایع اعلام کرد که مدیران کارخانه‌های تولیدکننده لوازم خانگی حتی اگر شده سر چهارراه‌ها چادر بزنند، باید تولیدات انبار شده خود را به نرخ رسمی به دست مردم برسانند. و روزنامه‌ها هم مدام به مردم توصیه می‌کردند که اگر نیاز به لوازم خانگی دارید، دست نگه دارید که ارزان خواهد شد. پس چه شد که ماشین لباسشویی تولید داخل که آن روزها سی-چهل هزار تومان قیمت داشت، امروز به قیمت ۲۰۰ هزار تومان هم به دست مصرف‌کننده نمی‌رسد؟

آنچه تا کنون ذکر شد، مربوط به قول و قرارهای مسؤولان در سالهای قبل بود. حالاً نیم نگاهی بیندازیم به حدود دو ماهی که از سال جدید گذشته است تا شاید دریابیم از آنچه که رئیس کل بانک مرکزی در آخرین مصاحبه سال ۷۴ خود راجع به کاهش میزان تورم در سال جدید گفته، چه مقدارش تحقق یافته است. ایشان در مصاحبه خود گفت: میانگین تورم در سال ۷۴ به حدود ۴۸ درصد رسید که نشأت گرفته از دو ماه اول سال بود که نرخ ارز در بازار بی‌قاعده افزایش یافت و کم‌کم بعد از اعلام سیاست‌های جدید میزان تورم کاهش پیدا کرد و در سال آینده (۷۵) به هیچ وجه ما چنین رشد تورمی را نخواهیم داشت.

اما به نظر می‌رسد که اگر در شروع سال گذشته دلالتان و مفسده‌جویان اقتصادی در بازار محرک افزایش شدید نرخ‌ها بودند، امسال تعدادی از سازمانها و وزارتخانه‌ها ایفای نقش را بر عهده گرفته‌اند. هنوز تعطیلات نوروز به پایان نرسیده بود که وزارت نفت قیمت مواد سوختی را افزایش داد؛ البته می‌دانیم که این افزایش براساس قانون برنامه دوم بوده، منتهی به جای ۲۰ درصد، ۳۰ درصد قیمت‌ها را افزایش دادند و در کنار آن قیمت روغن موتور را از لیتری ۲۲۵ ریال به ۸۰۰ ریال رساندند. بعد از چند روز وزیر صنایع اعلام کرد که نرخ روغن موتور اعلام شده توسط وزارت نفت جنبه رسمی ندارد و نرخ رسمی

روغن موتور تا دو روز آینده اعلام خواهد شد و این دو روز بنا به ملاحظاتی به پانزده روز کشید و نرخ روغن موتور نیز از لیتری ۵۷۰ ریال تا ۱۶۰۰ ریال تعیین شد که غیر از یک نوع روغن لیتری ۵۷۰ ریال و یک نوع لیتری ۸۰۰ ریال، ما بقی همه بالای لیتری ۱۰۰۰ ریال قیمت دارند. معلوم هم نیست که اگر نرخ روغن موتور بر اثر افزایش نرخ ارز تخصیصی برای واردات مواد اولیه تولید (از ۱۷۵۰ ریال به ۳۰۰۰ ریال) باید ۷۰ درصد افزایش بیابد، پس چرا برای مصرف‌کننده افزایشی از ۱۵۰ درصد تا ۶۰۰ درصد در نظر گرفته شده است؟!

لیست بلند بالایی از ارقام مربوط به نرخ جدید مالیات نقل و انتقال انواع خودرو در روزنامه‌ها به چاپ رسید که در میان آنها ارقامی به چشم می‌خورد که نسبت به ۴۰ روز قبل از اعلام نرخ‌های جدید (به طور مثال مالیات نقل و انتقال اتومبیل‌های مدل پانین) تا ۳۴۰۰ درصد افزایش نشان می‌دهد. حالاً اتومبیل‌های مدل بالا جای خود دارد. معاون درآمدهای مالیاتی هم در توجیه این افزایش‌ها اعلام می‌کند که برای هدایت سرمایه به سوی تولید و همچنین کسب درآمد برای دولت چنین تصمیمی گرفته شده است.

باید پرسید حالاً که نیت تصمیم‌گیرندگان محترم در چنین افزایش‌های عجیب و غریبی که افزایش سرسام‌آور حق الثبت را هم در پی داشته، واقعاً هدایت سرمایه‌ها از عرصه دلالی و خرید و فروش به سوی تولید است چه می‌شد اگر این بار برخلاف معمول سرتا را از سر تنگ آن می‌دیدیم؟ یعنی اعلام می‌شد مالیات نقل و انتقال خودرو با توجه به تعداد معاملات در طی سال دریافت خواهد شد؛ مثلاً بار اول همان نرخ‌های که چند سال است دریافت می‌شود، بار دوم ۲۰ درصد اضافه، بار سوم ۵۰ درصد اضافه، بار چهارم ۱۰۰ درصد و... آیا این شیوه منصفانه‌تری نبود و دلالی و «بخر و بفروش» کمتر نمی‌شد؟! به نظر می‌رسد تصمیم‌گیرندگان بیشتر به جای آنکه بخواهند سرمایه‌ها را به سمت تولید سوق دهند، به فکر کسب درآمد برای دولت بوده‌اند تا شاید وقتی اعلام می‌شود که کسر بودجه دولت به صفر رسیده است، راه‌هایی برای اثبات این صفری کسر بودجه وجود داشته باشد. مگر چند درصد از ارقام نجومی سرخورده از بازار ارز و سکه به سوی تولید رفته است که حالا وجوه بازار اتومبیل بخواهد از راه افزایش غیر معقول مالیات نقل و انتقال برود؟!

معمولاً هرگاه که رؤسای بانک مرکزی در سالیان گذشته مصاحبه‌ای داشتند و در این مصاحبه‌ها، نکات و تصمیم‌های جدیدی را اعلام می‌کردند، بلافاصله اثرات کاهشی این گفته‌ها در بازار نمایان می‌شد اما گویی دیگر این شگردها هم کارایی‌شان را از دست

داده‌اند. رئیس کل بانک مرکزی در مصاحبه قبل از سال جدید خود با یک تأخیر ۴-۳ ماهه اعلام کرد که سکه‌های ثبت‌نام شده از چند روز دیگر توزیع می‌شود و قیمت محاسبه سکه همان قیمت آخرین فروش بانک در پانیز بود: ۳۳۵ هزار ریال؛ یعنی به جای ۵ درصد زیر قیمت روز بازار آزاد ۱۵ درصد زیر قیمت به متقاضیان تحویل داده می‌شد، اما از فردای همان روز قیمت سکه که مدت‌ها بر پایه ۳۸۰ تا ۳۹۰ هزار ریال ثابت مانده بود تا قبل از شروع سال جدید به ۴۲۳ هزار ریال رسید و بعد از کاهشی موقت در روزهای آخر سال، مجدداً در تعطیلات بعد از مدت‌ها به بالاتر از ۴۳۵ هزار ریال هم رسید و سپس در طول برگزاری دور دوم انتخابات تا اواسط اردیبهشت بین ۴۰۰ هزار ریال تا ۴۱۰ هزار ریال ثابت ماند. و به این ترتیب قیمت سکه بالای ۴۰۰ هزار ریال پایه کرده است؛ یعنی ۱۰ تا ۲۰ هزار ریال بیشتر از نرخ‌های قبل از مصاحبه رئیس کل بانک مرکزی داشت!

بهار همیشه فصل فراوانی محصولات کشاورزی-غیر از نوبرانه‌ها بوده است، اما امسال این قانونمندی هم تغییر کرده است: قیمت سیب زمینی به کیلویی ۲۵۰۰ ریال، پیاز به ۱۵۰۰ ریال و گوجه‌فرنگی به ۵۰۰۰ ریال رسید که در نهایت وزارت بازرگانی که امسال را سال صادرات غیرنفتی اعلام کرده بود، مجبور شد واردات پیاز و سیب‌زمینی را آزاد اعلام کند؛ نفت را صادر کنیم که به جای آن پیاز و سیب‌زمینی وارد کنیم! جالب نیست؟ در زمان نگارش این مطلب قیمت سیب‌زمینی علی‌رغم عرضه محصول وارداتی و محصول برداشت شده داخلی در مغازه‌ها از ۱۳۰۰ ریال در هر کیلو پانین تر نیامده بود.

به هر حال مصادیق تناقض و ناهمخوانی در گفته‌های مسؤولان بسیار است و تمام نشدنی، آنچه مسلم است تمام دست‌اندرکاران بازار در هر رشته و صنفی منتظر فرا رسیدن خرداد نشسته‌اند و اعتقاد دارند که اگر تا قبل از تشکیل مجلس جدید، حرکت افزایشی قیمت‌ها شروع نشود، با تشکیل مجلس جدید این حرکت شروع خواهد شد و با اوصافی که اهل اقتصاد بیان می‌کنند و سرعتی که افزایش نرخ‌ها معمولاً در اوایل سال به خود می‌گیرد، بعید نیست که امسال برخلاف سخنان رئیس کل بانک مرکزی که رشد تورم را به تندی سال گذشته نمی‌داند، تورمی سه رقمی داشته باشیم.

صمیمانه امیدواریم این حدس که تورم سه رقمی بسراغمان آید تحقق نیابد. اما واقعیتی هست که نمی‌توان آنها را انکار کرد. بیرون آوردن تعدادی از کالاها مشمول طرح تعزیرات از زیر قانونمندیهای این طرح، افزایش ۲۰-۳۰ درصدی قیمت مثلاً شوینده‌ها، افزایش قیمت نان (شاده‌ترین نان سنگک ۱۵۰ ریال و نان بربری ماشینی ۳۰۰ ریال عرضه می‌شود) و... موارد دیگری که همه شاهدیم، خبر از ادامه تورم و جهش قیمت‌ها می‌دهد. □